

به نام خدا

راهکارهای عملی برای معلمان جهت آموزش بهبتر دانش آموزان با اختلالات یادگیری

مؤلف:

فاطمه نادری فارسانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr. Ir

سرشناسه : نادری فارسانی ، فاطمه ، ۱۳۷۷
عنوان و نام پدیدآور : راهکارهای عملی برای معلمان جهت آموزش بهتر دانش آموزان با
اختلالات یادگیری / مولف فاطمه نادری فارسانی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۶۱۱-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : راهکارهای عملی - دانش آموزان - اختلالات یادگیری
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : راهکارهای عملی برای معلمان جهت آموزش بهتر دانش آموزان با اختلالات یادگیری
مولف : فاطمه نادری فارسانی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زیرجد
قیمت : ۱۰۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۶۱۱-۰
تلفن مرکز بخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: شناخت اختلالات یادگیری	۹
تعریف اختلالات یادگیری و انواع آن	۱۲
تفاوت اختلالات یادگیری با کندی یادگیری	۱۶
نشانه‌های اولیه اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان	۲۰
نقش معلم در شناسایی زودهنگام مشکلات یادگیری	۲۳
فصل دوم: اصول آموزش مؤثر به دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری	۲۷
رویکردهای فردمحور در تدریس	۳۰
سازگاری در سبک‌های یادگیری و تدریس	۳۲
نقش بازخورد مثبت و انگیزه‌بخشی در یادگیری	۳۵
استفاده از محیط آموزشی حمایتگر و منعطف	۳۸
فصل سوم: راهکارهای تدریس در دروس اصلی	۴۳
آموزش خواندن و درک مطلب به دانش‌آموزان نارساخوان	۴۵
راهبردهای تدریس ریاضی به دانش‌آموزان با نارسا حسایی	۴۹
استفاده از تکنیک‌های نوشتن برای دانش‌آموزان با اختلال نوشتاری	۵۲
نقش بازی و فعالیت‌های تعاملی در یادگیری مفاهیم درسی	۵۶
فصل چهارم: ابزارها و تکنولوژی‌های کمک آموزشی	۵۹
استفاده از نرم‌افزارهای یادگیری تطبیقی	۶۱
ابزارهای بصری و شنیداری برای یادگیری بهتر	۶۳
کاربرد فناوری در ارزیابی و پایش پیشرفت تحصیلی	۶۴
طراحی محتوا و منابع آموزشی ویژه با کمک تکنولوژی	۶۷

فصل پنجم: همکاری خانه و مدرسه	۷۱
نقش والدین در پشتیبانی تحصیلی از کودک	۷۴
شیوه‌های مؤثر برقراری ارتباط معلم با والدین	۷۶
آموزش والدین در مدیریت تحصیلی و رفتاری	۷۹
تشکیل تیم آموزشی و مشاوره‌ای برای حمایت چندجانبه	۸۲
فصل ششم: مدیریت کلاس و رفتار در آموزش دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری ..	۸۷
تکنیک‌های ایجاد نظم و کاهش حواس‌پرتی در کلاس	۸۹
راهبردهای تقویت تمرکز و حافظه در دانش‌آموزان	۹۳
تقویت عزت نفس و خودباوری در کودکان با اختلال یادگیری	۹۷
نتیجه‌گیری	۱۰۱
منابع	۱۰۵

مقدمه

اختلالات یادگیری یکی از چالش‌های جدی در نظام‌های آموزشی جهان امروز محسوب می‌شود. بسیاری از دانش‌آموزانی که با این اختلالات روبرو هستند، از توانمندی‌های شناختی خوبی برخوردارند اما در حوزه‌هایی نظیر خواندن، نوشتن، ریاضی یا تمرکز با مشکلاتی مواجه می‌شوند. این دانش‌آموزان نیازمند محیطی حمایتی و روش‌های آموزشی متناسب با شرایطشان هستند تا بتوانند توانایی‌های واقعی خود را بروز دهند. در این مسیر، معلم به عنوان عامل کلیدی و تأثیرگذار در فرآیند آموزش نقش بنیادینی ایفا می‌کند. او باید بتواند تفاوت‌های فردی را شناسایی کرده، روش‌های تدریس خود را انعطاف‌پذیر کند و از ابزارهای نوین آموزشی بهره‌گیرد. یکی از اولین گام‌ها در آموزش مؤثر این دانش‌آموزان، شناخت دقیق نوع اختلال یادگیری است. معلم باید بتواند نشانه‌های اختلالاتی چون نارساخوانی، نارسانویسی، نارساحسابی، اختلال پردازش شنیداری یا دیداری، و اختلال تمرکز را تشخیص دهد. البته این کار جایگزین تشخیص بالینی توسط متخصص نیست، اما آگاهی معلم می‌تواند در ارجاع به موقع دانش‌آموز به روانشناس یا مشاور مدرسه مؤثر واقع شود. شناخت نوع اختلال، کمک می‌کند تا رویکرد آموزشی و برنامه‌ریزی‌های تدریس دقیق‌تر، شخصی‌تر و اثربخش‌تر انجام شود. یکی از راهکارهای مهم، طراحی آموزش‌های فردی‌سازی شده است. به جای ارائه یک الگوی ثابت آموزشی برای همه دانش‌آموزان، معلم می‌تواند از برنامه‌های آموزش فردی (IEP) استفاده کند. این برنامه‌ها نیاز به مشارکت تیمی دارند، اما نقش معلم در اجرای روزمره آن بسیار حیاتی است. با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت هر دانش‌آموز، محتوای درسی می‌تواند متناسب‌سازی شده و به صورت ساده‌تر، گام به گام و تکرارپذیر ارائه شود. این نوع از آموزش، باعث افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود و تجربه موفقیت تحصیلی را برای آن‌ها ممکن می‌سازد. کاظمی، س. (۱۳۹۵).

برای موفقیت در این مسیر، معلم باید شیوه‌های مختلف یادگیری را بشناسد و آن‌ها را در کلاس به کار گیرد. برخی از دانش‌آموزان با شنیدن بهتر یاد می‌گیرند، برخی با دیدن، و برخی از طریق لمس و انجام فعالیت‌های عملی. ترکیب روش‌های شنیداری، دیداری و جنبشی در آموزش می‌تواند اثربخشی یادگیری را به شدت افزایش دهد. برای مثال، در آموزش املا به دانش‌آموز

نارساخوان، استفاده از کارت‌های تصویری، تلفظ بلند، و نوشتن با انگشت روی شن یا ماسه می‌تواند موثرتر از روش‌های سنتی باشد.

محیط کلاس نیز در یادگیری این دسته از دانش‌آموزان تأثیرگذار است. وجود محرک‌های زیاد بصری یا شنیداری می‌تواند تمرکز آن‌ها را کاهش دهد. بنابراین، طراحی کلاس به گونه‌ای که دارای نظم، سکوت نسبی و ساختار مشخص باشد، اهمیت بالایی دارد. همچنین نشان دادن دانش‌آموزان با اختلال یادگیری در بخش‌هایی از کلاس که کمترین حواس‌پرتی وجود دارد، به بهبود عملکرد آن‌ها کمک می‌کند. تعامل مثبت با همکلاسی‌ها نیز در این زمینه اهمیت دارد. معلم می‌تواند از کارهای گروهی هدفمند استفاده کند تا حس تعلق و مشارکت را در این دانش‌آموزان افزایش دهد. دهقان، ن. و موسوی، م. (۱۳۹۹).

از دیگر راهکارهای مهم، استفاده از تکنولوژی‌های کمک آموزشی است. امروزه نرم‌افزارهای آموزشی و اپلیکیشن‌هایی طراحی شده‌اند که مخصوص دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری هستند. این ابزارها به دانش‌آموز امکان می‌دهند تا مفاهیم را با سرعت خودشان بیاموزند، اشتباهات را اصلاح کنند و انگیزه یادگیری بیشتری پیدا کنند. ابزارهایی مانند کتاب‌های صوتی، نرم‌افزارهای دیکته‌گو، برنامه‌های یادگیری ریاضی با تصاویر و بازی‌های تعاملی می‌توانند در این مسیر یاری‌رسان باشند.

معلم باید به فرآیند ارزیابی نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد. آزمون‌های سنتی و نمره‌محور ممکن است توانایی واقعی این دانش‌آموزان را نشان ندهد. استفاده از ارزشیابی‌های توصیفی، پروژه‌محور و عملکردی به معلم کمک می‌کند تا میزان پیشرفت را دقیق‌تر بسنجد. حتی تغییر در نحوه پرسش، زمان‌بندی امتحان و روش ارائه پاسخ می‌تواند بر عملکرد این دانش‌آموزان اثرگذار باشد.

نقش بازخورد در این میان بسیار پررنگ است. ارائه بازخوردهای مثبت، واقعی و تشویق‌کننده می‌تواند انگیزه یادگیری را افزایش دهد و احساس شکست را کاهش دهد. باید به جای تمرکز بر اشتباهات، بر پیشرفت‌ها تأکید شود. جملاتی مانند «تو تلاش خوبی کردی» یا «این بخش را خیلی خوب انجام دادی» می‌تواند بیش از نمره بالا در تقویت روحیه مؤثر باشد. توجه به

موفقیت‌های کوچک در فرآیند یادگیری، باعث می‌شود که دانش‌آموز خود را با دیگران مقایسه نکند و بر روند رشد شخصی تمرکز کند.

در زمینه آموزش اجتماعی و عاطفی نیز معلم نقش کلیدی دارد. بسیاری از دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری، احساس متفاوت بودن و طرد شدن را تجربه می‌کنند. گاهی حتی با برچسب‌های منفی مواجه می‌شوند که عزت نفس آن‌ها را کاهش می‌دهد. معلم باید فضای کلاس را به گونه‌ای مدیریت کند که احترام به تفاوت‌ها در آن نهادینه شود. استفاده از فعالیت‌های گروهی، ایجاد نقش برای دانش‌آموزان در کلاس و تقویت حس مسئولیت‌پذیری می‌تواند باعث افزایش حس ارزشمندی در آن‌ها شود.

همکاری با خانواده از دیگر ارکان کلیدی موفقیت است. معلم باید با والدین در ارتباط باشد و آنان را در جریان پیشرفت‌ها و چالش‌ها قرار دهد. آموزش والدین در زمینه نحوه برخورد با اختلال یادگیری فرزندشان و تقویت مهارت‌های مطالعه در خانه نیز بسیار مهم است. جلسات منظم، دفتر ارتباط خانه و مدرسه، و ارائه پیشنهادهای عملی می‌تواند به این تعامل کمک کند.

استفاده از بازی‌های آموزشی نیز یکی از ابزارهای مفید در تدریس به دانش‌آموزان با اختلال یادگیری است. بازی باعث افزایش تمرکز، مشارکت و لذت از یادگیری می‌شود. انتخاب بازی‌های هدفمند که مهارت خاصی را تقویت کنند، مانند بازی‌های حافظه برای تقویت توجه یا بازی‌های عددی برای آموزش ریاضی، اثربخشی بالایی دارد. در این روش، دانش‌آموزان بدون احساس فشار و اضطراب، به شکل غیرمستقیم مهارت‌های خود را توسعه می‌دهند. از آنجا که برخی از دانش‌آموزان با اختلال یادگیری دچار اضطراب امتحان یا ترس از شکست هستند، معلم باید تلاش کند محیط کلاس را از استرس دور کند. آموزش مهارت‌های مقابله با اضطراب، تنفس عمیق، روش‌های آرام‌سازی و حتی فعالیت‌های بدنی سبک می‌تواند به تنظیم هیجانات این دانش‌آموزان کمک کند. گاهی تغییر در الگوی سوالات یا افزایش زمان پاسخ‌گویی می‌تواند استرس را کاهش دهد و عملکرد واقعی دانش‌آموز را به نمایش بگذارد. یکی دیگر از راهکارهای مؤثر، استفاده از نقشه‌های ذهنی، جدول‌ها و نمودارها در آموزش است. این ابزارها به سازمان‌دهی ذهنی مطالب کمک می‌کنند و درک مفاهیم را برای دانش‌آموزانی که در پیوستگی مطالب مشکل

دارند، آسان‌تر می‌کنند. استفاده از رنگ‌ها، تصاویر و خطوط ارتباطی می‌تواند حافظه بصری را تحریک کرده و فرآیند یادگیری را تقویت کند.

خود معلم نیز نیازمند یادگیری مستمر و توسعه حرفه‌ای است. آشنایی با جدیدترین یافته‌های علمی در حوزه اختلالات یادگیری، شرکت در کارگاه‌های آموزشی، مطالعه کتب و مقالات تخصصی و تبادل تجربیات با سایر همکاران می‌تواند موجب افزایش توانمندی‌های او شود. یک معلم حرفه‌ای کسی است که با انعطاف، آگاهی، و عشق به تدریس، در هر شرایطی بتواند پاسخ‌گوی نیازهای متنوع دانش‌آموزان باشد. در جمع‌بندی، آموزش دانش‌آموزان با اختلال یادگیری یک مسیر چالش‌برانگیز اما ارزشمند است. این مسیر نیازمند صبر، خلاقیت، همدلی و دانش تخصصی است. هر اقدام کوچکی در جهت درک بهتر و حمایت مؤثر از این دانش‌آموزان، گامی بزرگ در ساختن آینده‌ای روشن‌تر برای آنان خواهد بود. معلمانی که با درک درست از این شرایط، آموزش را با رویکرد انسانی و علمی پی می‌گیرند، نقش بزرگی در ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی ایفا می‌کنند. این کتاب، تلاشی برای همراهی با این معلمان فهیم و پرتلاش است. مرادی، ف. و احمدی، ر. (۱۳۹۷).

فصل اول

شناخت اختلالات یادگیری

اختلالات یادگیری از جمله پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که می‌توانند بر توانایی دانش‌آموزان در کسب مهارت‌های پایه‌ای مانند خواندن، نوشتن، محاسبه و تفکر تأثیر بگذارند. این اختلالات اغلب به صورت نامرئی ظاهر می‌شوند و به همین دلیل ممکن است تا سال‌ها تشخیص داده نشوند. دانش‌آموز ممکن است در ظاهر رفتاری عادی داشته باشد، اما در انجام فعالیت‌های تحصیلی به شدت دچار مشکل باشد. این وضعیت باعث می‌شود که برخی از معلمان، والدین یا حتی خود دانش‌آموز تصور کنند که مشکل از هوش یا تلاش ناکافی است، در حالی که موضوع فراتر از این تصورات سطحی است. اختلالات یادگیری ناشی از تفاوت‌هایی در نحوه پردازش مغزی اطلاعات هستند. این تفاوت‌ها ممکن است ذاتی باشند و از دوران کودکی همراه فرد باقی بمانند. برای مثال، دانش‌آموزی که دچار نارساخوانی است، ممکن است در تشخیص صحیح حروف، ترکیب آن‌ها با صداها و خواندن کلمات دچار مشکل شود، در حالی که در سایر زمینه‌ها مانند گفتار یا درک مفاهیم شنیداری کاملاً طبیعی عمل می‌کند. شناخت این تفاوت‌های عملکردی، گام نخست در مداخله و کمک به دانش‌آموزان است. دهقان، ن. و موسوی، م. (۱۳۹۹).

یکی از مهم‌ترین انواع اختلال یادگیری، نارساخوانی یا دیسلکسی است. دانش‌آموز مبتلا به نارساخوانی معمولاً در خواندن کلمات ساده نیز مشکل دارد. او ممکن است جای حروف را عوض کند، حروف مشابه را با هم اشتباه بگیرد یا در پیوستگی خواندن دچار گسست شود. این اختلال ممکن است با مشکلات در دقت، حافظه دیداری و شنیداری نیز همراه باشد. کودکی که دچار این مشکل است، به روش‌های ویژه‌ای برای یادگیری خواندن نیاز دارد و استفاده از تکرار، تمرینات چندحسی و تقویت مهارت‌های ادراکی در او ضروری است. اختلال نوشتاری یا دیس‌گرافیا یکی

دیگر از انواع شایع اختلالات یادگیری است. دانش آموزان دارای این اختلال در نوشتن کلمات، جمله سازی، رعایت فاصله بین کلمات، و حتی نگه داشتن مداد با مشکل مواجه اند. ممکن است نوشته های آن ها ناخوانا، پر از اشتباه املائی و بدون ساختار باشد. آن ها اغلب از نوشتن فراری اند و در انجام تکالیف نوشتاری احساس ناکامی می کنند. این اختلال می تواند پیامدهای منفی عاطفی به همراه داشته باشد، زیرا دانش آموز احساس بی کفایتی و طردشدگی پیدا می کند.

اختلال ریاضی یا دیس کلکولیا نیز نوعی اختلال یادگیری است که کمتر شناخته شده ولی تأثیر زیادی بر پیشرفت تحصیلی دارد. این دانش آموزان در درک مفاهیم عددی، تشخیص رابطه ها، محاسبه ساده و حتی مفهوم زمان دچار دشواری هستند. آن ها ممکن است در درک مراحل چهار عمل اصلی، حل مسئله های کلامی و به خاطر سپردن جدول ضرب ناتوان باشند. روش های سنتی آموزش ریاضی برای این دانش آموزان اغلب ناکارآمد است و آن ها نیاز به شیوه های تصویری، ملموس و مرحله به مرحله دارند.

اختلال پردازش شنیداری نوعی دیگر از چالش های یادگیری است که در آن مغز فرد در تفسیر صحیح صداها، کلمات و جملات دچار مشکل است. ممکن است کودک در شنیدن کلمات مشکلی نداشته باشد، اما در درک معنی و جهت گیری نسبت به آنچه می شنود ناتوان باشد. این اختلال باعث می شود دستورالعمل ها را درست متوجه نشود، در دنبال کردن گفتگو دچار سردرگمی شود و در یادگیری زبان مشکل پیدا کند. استفاده از جملات کوتاه، تکرار، و وسایل کمکی شنیداری از جمله راهکارهای کمک به این دسته از دانش آموزان است. اختلال توجه و تمرکز (ADHD) هرچند به طور خاص در دسته اختلالات یادگیری قرار نمی گیرد، اما به طور جدی بر فرآیند یادگیری تأثیر می گذارد. کودکان دارای این اختلال معمولاً در تمرکز طولانی مدت، کنترل تکانه ها و نشستن در یک جا مشکل دارند. آن ها ممکن است وسط درس ناگهان بلند شوند، حرف بزنند یا کار دیگری انجام دهند. این رفتارها موجب ایجاد تنش در کلاس و افت تحصیلی می شود. برای این کودکان، باید از ساختارهای زمانی مشخص، برنامه های کوتاه و تشویق های منظم استفاده کرد تا انگیزه و تمرکزشان افزایش یابد. در کنار این موارد، گاهی اختلالات ترکیبی نیز دیده

می‌شود. برای مثال، یک دانش‌آموز ممکن است هم در خواندن و هم در نوشتن و ریاضی دچار مشکل باشد. این وضعیت نیازمند توجه خاص و بررسی‌های تخصصی است. در بسیاری از موارد، چنین دانش‌آموزانی با برجسب‌های نادرست مانند «کندذهن»، «تنبل» یا «بی‌انگیزه» مواجه می‌شوند. این برجسب‌ها نه تنها کمکی به شناخت مشکل نمی‌کنند، بلکه باعث آسیب‌های روانی و کاهش اعتماد به نفس می‌شوند. ضروری است که معلمان و والدین به جای تمرکز بر نتیجه، به فرآیند یادگیری و تلاش دانش‌آموز توجه کنند. مرادی، ف. و احمدی، ر. (۱۳۹۷).

تشخیص به موقع اختلالات یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است. هرچه مداخلات زودتر آغاز شود، امکان موفقیت بیشتر است. کودکانی که در سال‌های ابتدایی مدرسه شناسایی می‌شوند، شانس بیشتری برای یادگیری مهارت‌های جبرانی و رشد تحصیلی دارند. بنابراین، معلم ابتدایی باید نقش فعال در شناسایی نشانه‌های اختلال داشته باشد. علائمی مانند بی‌علاقگی به درس، اشتباهات مکرر در املا، ضعف شدید در ریاضی یا ناتوانی در دنبال کردن دستورالعمل‌ها می‌تواند هشداردهنده باشد. شناخت اختلالات یادگیری نیازمند دانش تخصصی است. هر معلم باید با ویژگی‌های هر نوع اختلال، نشانه‌های اولیه، و شیوه‌های برخورد با آن آشنا باشد. شرکت در کارگاه‌های آموزشی، مطالعه منابع علمی معتبر، و تعامل با مشاوران و روانشناسان مدرسه از جمله راه‌های ارتقای دانش معلمان در این حوزه است. هیچ راهکار واحدی برای همه دانش‌آموزان وجود ندارد. آموزش دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری باید بر اساس نیازهای خاص او طراحی شود و در طول زمان با پیشرفت یا تغییر وضعیت او اصلاح گردد.

نکته مهم دیگر، جداسازی اختلال یادگیری از مشکلات رفتاری، هیجانی یا فرهنگی است. گاهی اوقات کودکی به دلیل محیط خانوادگی پرتنش یا شرایط اجتماعی نامناسب دچار افت تحصیلی می‌شود. در این صورت، مداخلات باید بر مبنای حل مشکلات محیطی طراحی شود، نه مداخلات درمانی برای اختلالات یادگیری. بنابراین، ارزیابی دقیق و چندبُعدی وضعیت کودک ضروری است و نباید صرفاً بر اساس عملکرد ضعیف در امتحان یا رفتارهای نامطلوب کلاس، تشخیص صادر کرد. نقش والدین در شناخت اختلالات یادگیری غیرقابل‌انکار است. آن‌ها بیشترین زمان را با

کودک می‌گذرانند و می‌توانند نشانه‌های اولیه را زودتر از دیگران مشاهده کنند. برای این منظور، باید والدین را نسبت به موضوع آگاه کرد، آموزش داد و راهنمایی نمود. داشتن انتظار واقع‌بینانه، مقایسه نکردن کودک با دیگران، و ایجاد فضای امن روانی در خانه می‌تواند کمک بزرگی به کودک باشد.

در مدرسه نیز باید فضای مناسبی برای دانش‌آموزان با اختلال یادگیری فراهم شود. باید آن‌ها احساس کنند که پذیرفته شده‌اند و تفاوت‌شان باعث طرد نمی‌شود. پذیرش معلم، تشویق همکلاسی‌ها، طراحی برنامه‌های تقویتی و فراهم آوردن امکانات آموزشی ویژه از جمله عواملی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت این کودکان کمک کنند. آموزش فراگیر تنها زمانی معنا دارد که همه دانش‌آموزان، با هر نوع توانمندی و تفاوت، در فرایند یادگیری فعال و موثر باشند. شناخت اختلالات یادگیری نه فقط برای کمک به فرد مبتلا، بلکه برای ارتقای کیفیت کل نظام آموزشی حیاتی است. هرچه آموزش فراگیرتر، علمی‌تر و انسانی‌تر باشد، جامعه‌ای عادلانه‌تر و شکوفاتر خواهیم داشت. هیچ دانش‌آموزی نباید به خاطر تفاوت در یادگیری، از مسیر رشد و موفقیت بازماند. این رسالت بزرگ، بر عهده معلمان، والدین و همه کسانی است که به آینده کودکان می‌اندیشند. نیکویی، ع. (۱۳۹۹).

تعریف اختلالات یادگیری و انواع آن

اختلالات یادگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزشی، به مجموعه‌ای از اختلالات عصبی-رشدی گفته می‌شود که توانایی فرد در کسب و استفاده از مهارت‌های پایه‌ای مانند خواندن، نوشتن، گوش دادن، صحبت کردن، استدلال کردن و انجام محاسبات ریاضی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اختلالات برخلاف تصورات رایج، ارتباطی با هوش پایین ندارند، بلکه در اثر تفاوت در نحوه پردازش اطلاعات در مغز به وجود می‌آیند. فرد مبتلا ممکن است در یک یا چند حوزه‌ی یادگیری دچار نارسایی باشد، در حالی که در سایر زمینه‌ها توانایی طبیعی یا حتی بالاتر از متوسط دارد. اختلالات یادگیری از نظر علمی به عنوان «ناتوانی‌های خاص یادگیری» شناخته می‌شوند و اصطلاح «اختصاصی» در آن‌ها به این معناست که مشکل فقط در برخی

حوزه‌های شناختی ظاهر می‌شود و همه‌ی ابعاد عملکرد ذهنی را شامل نمی‌شود. در واقع کودک ممکن است در ریاضی بسیار ضعیف باشد، اما در حوزه موسیقی یا درک اجتماعی عملکرد خوبی داشته باشد. تشخیص این اختلالات نیازمند ارزیابی‌های دقیق روان‌شناختی و آموزشی است، چرا که نمی‌توان تنها با مشاهده‌ی نمرات پایین یا رفتارهای چالشی به‌طور قطعی اختلال یادگیری را تأیید کرد.

یکی از شایع‌ترین انواع اختلالات یادگیری، نارساخوانی یا دیسلکسی است. این نوع اختلال در توانایی خواندن کلمات، شناسایی حروف، تبدیل نشانه‌های نوشتاری به صدا و درک متن خوانده‌شده مشکل ایجاد می‌کند. کودکان نارساخوان معمولاً دچار کندخوانی، خطاهای مکرر در املا، فراموشی نحوه خواندن برخی کلمات و ناتوانی در خواندن روان هستند. آن‌ها ممکن است از درس خواندن فراری باشند و دچار اضطراب هنگام بلندخوانی شوند. این مشکل اگر به‌موقع شناسایی و با برنامه‌ای مناسب درمان نشود، بر عزت نفس دانش‌آموز تأثیر منفی شدیدی می‌گذارد. نوع دوم اختلال یادگیری، نارسانویسی یا دیس‌گرافیا است. در این نوع اختلال، توانایی نوشتن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دانش‌آموز مبتلا ممکن است نتواند حروف را درست و خوانا بنویسد، جملات را ناقص یا بی‌ساختار بنویسد، در رعایت فاصله‌ی کلمات و علائم نگارشی دچار مشکل شود، یا حتی نتواند مداد را به‌درستی در دست بگیرد. این اختلال گاهی با اختلالات حرکتی ظریف هم‌پوشانی دارد. از جمله نشانه‌های شایع دیس‌گرافیا، خستگی سریع هنگام نوشتن، امتناع از انجام تکالیف نوشتاری و تفاوت زیاد بین بیان شفاهی و نوشتاری است. سومین نوع رایج، اختلال ریاضی یا دیس‌کلکولیا است. این اختلال بر توانایی درک مفاهیم عددی، انجام محاسبات و استفاده از مفاهیم ریاضی تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموز مبتلا به دیس‌کلکولیا ممکن است نتواند جدول ضرب را حفظ کند، مفاهیم پایه‌ای مانند «بیشتر» و «کمتر» را درک نکند، یا در انجام مراحل چهار عمل اصلی دچار سردرگمی شود. این اختلال باعث می‌شود دانش‌آموز از درس ریاضی گریزان شود، اعتماد به نفسش کاهش یابد و در پیوند دادن مفاهیم با کاربردهای

روزمره دچار چالش گردد. راهکارهایی مانند آموزش تصویری، استفاده از ابزارهای ملموس و آموزش مرحله به مرحله می تواند مفید باشد. محمودی، ه. (۱۳۹۹).

نوع دیگر اختلال، اختلال زبان بیانی و دریافنی است. این دسته از اختلالات یادگیری بر توانایی فرد در بیان افکار به صورت کلامی یا درک آنچه دیگران می گویند تأثیر می گذارد. دانش آموزانی که به اختلال زبان بیانی مبتلا هستند ممکن است در جمله سازی، یافتن واژه مناسب یا به کارگیری صحیح دستور زبان دچار مشکل باشند. در مقابل، کودکانی با اختلال زبان دریافتی، در فهمیدن دستورات، پرسش ها و مطالب شفاهی معلم مشکل دارند. این کودکان نیازمند تمرین های گفتاری-شنیداری ویژه هستند و نباید آن ها را صرفاً به خاطر اشتباهات زبانی سرزنش کرد. از دیگر انواع اختلالات یادگیری، می توان به اختلال پردازش شنیداری اشاره کرد. در این اختلال، مغز فرد در تفسیر درست اطلاعات شنیده شده دچار مشکل است. برای مثال، ممکن است کودک صداها را بشنود ولی نتواند آن ها را از هم تفکیک کند یا معنی دقیق کلمات را درک نکند. این کودکان معمولاً در کلاس های شلوغ عملکرد ضعیف تری دارند، چون درک شنیداری شان با صدای زمینه دچار اختلال می شود. تکرار دستورها، صحبت با سرعت مناسب، استفاده از وسایل کمک شنوایی و آموزش های شنوایی تقویتی می تواند به آن ها کمک کند. اختلال پردازش دیداری نیز از دیگر موارد مهم است. در این نوع اختلال، فرد در تفسیر اطلاعات بصری مانند شکل، رنگ، فاصله و جهت گیری دچار مشکل می شود. این کودکان ممکن است حروف را جابه جا بنویسند، جای کلمات را اشتباه بگیرند، در شناسایی اعداد شبیه به هم دچار سردرگمی شوند یا از دنبال کردن خطوط نوشتاری عاجز باشند. کاربرد تمرین های دیداری، استفاده از رنگ ها، و چاپ درشت مطالب می تواند در آموزش این دسته مؤثر واقع شود.

علاوه بر این اختلالات، برخی دانش آموزان با اختلالات ترکیبی مواجه اند. یعنی ممکن است هم زمان چند نوع از اختلالات را تجربه کنند؛ مثلاً هم در خواندن و هم در ریاضی دچار ضعف باشند. چنین کودکانی به برنامه های آموزشی خاص تر و دقیق تری نیاز دارند. از سوی دیگر، اختلال یادگیری ممکن است با مشکلات هیجانی، اضطراب، افسردگی یا کم توجهی همراه باشد که در

این صورت درمان باید چندجانبه باشد و مداخلات آموزشی، روان‌شناختی و حتی پزشکی را شامل شود.

اختلال یادگیری غیرکلامی (NVLD) یکی دیگر از موارد مهم است که اغلب نادیده گرفته می‌شود. این اختلال معمولاً در درک روابط فضایی، حل مسئله‌های غیرکلامی، سازماندهی و مهارت‌های اجتماعی بروز پیدا می‌کند. کودک ممکن است در یادگیری از طریق تصاویر یا نمودارها ناتوان باشد، اما در گفتار یا نوشتار عملکرد خوبی داشته باشد. این تفاوت در توانایی‌ها ممکن است باعث شود که معلمان یا والدین کودک را فردی عجیب یا غیرعادی بدانند. اما در واقع او نیازمند آموزش‌هایی متفاوت و پشتیبانی‌های هدفمند است. اختلال یادگیری ممکن است در طول زمان تغییر کند یا شدت آن کاهش یابد، به‌ویژه اگر به‌موقع شناسایی و مداخله شود. اما نکته‌ی مهم این است که این اختلالات درمان‌پذیر نیستند بلکه قابل مدیریت و کنترل هستند. هدف آموزش نباید حذف کامل مشکل، بلکه توانمندسازی کودک برای غلبه بر محدودیت‌ها و استفاده از توانمندی‌های دیگر باشد. در واقع، اگر آموزش فردی و هدفمند باشد، بسیاری از دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری می‌توانند به موفقیت‌های علمی، اجتماعی و حرفه‌ای برسند. اختلالات یادگیری ممکن است از سوی اطرافیان با تنبلی یا بی‌علاقگی اشتباه گرفته شوند. دانش‌آموزی که مدام املا اشتباه می‌نویسد یا جدول ضرب را فراموش می‌کند، ممکن است مورد سرزنش و تحقیر قرار گیرد. این برخوردهای نادرست می‌تواند به آسیب‌های روانی و فرار از مدرسه منجر شود. بنابراین، آموزش معلمان برای شناخت دقیق انواع اختلالات یادگیری و پرهیز از قضاوت‌های نادرست بسیار ضروری است.

در محیط مدرسه، بسیاری از دانش‌آموزان با وجود داشتن اختلالات یادگیری، سال‌ها بدون شناسایی باقی می‌مانند. این مسئله نشان می‌دهد که نظام آموزشی باید بیش از پیش به ارزیابی دقیق، ایجاد پرونده‌های آموزشی و استفاده از متخصصان توجه کند. هر دانش‌آموزی شایسته آموزش متناسب با نیازهایش است و طراحی برنامه‌های فردی، استفاده از فناوری‌های کمک‌آموزشی و همکاری با خانواده، عناصر کلیدی در موفقیت او محسوب می‌شود. در مجموع،